

نقدی بر فرقه
بهائیت
از آغاز تادوره معاصر
حسین قدمی


بسم الله الرحمن الرحیم

نقدی بر فرقه بهاییت از آغاز تا دوره معاصر

نویسنده:

حسین قدمی

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نقدی بر فرقه بهاییت از آغاز تا دوره معاصر

مشخصات کتاب

مؤلف: حسین قدمی

مقدمه

قریب یکصد و هفتادسال قبل ایران سرزمین پاکان شاهد ادعای دروغین وبی اساس یکی دیگر از مکذّبین و سوء استفاده کنندگان از احساسات و عواطف بسیط جامعه بشری بود. در کتاب «دید» از کتب مقدس هندوان آمده: «در آخر الزمان ملکی ظهور خواهد کرد که پیشوای مردم و مقتدای آنها خواهد بود و نامش منصور است و بر تمام اهل عالم چیره خواهد شد و تمام انسانهای مؤمن و کافر را می شناسد.» (بشارات العهدین – ص۲۴۵) و ما نیز با این نام حضرت را در دعای زیارت عاشوراء می نامیم. در کتاب «جاماسب» شاگرد زرتشت آمده: «.. مردی ظهور خواهد کرد که بر دین جدش می باشد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد و از شدت عدالت او گرگ و میش با هم در یک ظرف تناول خواهند کرد.» (بشارات العهدین – ص۲۵۸). نظیر همین تعابیر در کتاب «زند» نیز موجود می باشد. (همان مصدر – ص ۲۳۸) در کتاب آسمانی «تورات» متعلق به امت یهود آمده است: «درباره ی نسل اسماعیل نیز شنیدم و من نیز مبارک و خجسته می دانم و از نسل آن پیامبر دوازده امام و سید بزرگوار می آیند و آنها را امتی بزرگ قرار می دهم.» (کتاب التکوین: ۲۰– ۱۷) در قرآن کریم نیز آیات و روایات فراوانی دال بر این موضوع وجود دارد(سوره مبارکه انبیاء– آیه شریفه: ۱۰۵) (سوره مبارکه نور– آیه شریفه: ۵۵) (سوره مبارکه قصص– آیه شریفه: ۵) (سوره مبارکه توبه– آیه شریفه: ۳۳). در کتب برادران شریف اهل سنت نیز اشارات زیادی شده است که از باب اختصار به چند کتاب اشاره می شود: (تفسیرابن کثیر دمشقی – ج۲– ص۴۵ – ج۳– ص۴۰۱) (تفسیر قرطبی – ج۸– ص۱۱۱) (الدر المنثور – سیوطی – ج۷– ص۴۸۳–۴۸۴) (روح المعانی – آلوسی– ج۷– ص۱۱۱– ج۱۲– ص۱۴– ج۱۳– ص۱۷۱) (المنار المنیف – محمد ابن ابی بکر ایوب الزرعی– ج۱– ص۱۵۵) (فتح الباری – ابن حجر العسقلانی–ج۷– ص۱۶۹) (ابن حجر هیثمی – الصواعق المحرقه – ج۲– ص۴۸۰) (الفتوحات الاسلامیه – احمد زینی دحلان – ج۲– ص۲۹۹–۳۰۰) (التاج الجامع للاصول – شیخ منصور علی ناصف – ج۵ – ص۳۴۱–۳۶۰) (نور الابصار – محمد شبلنجی – ص۱۸۹) و........ که ذکر همه ی آنها در حوصله ی این مقال نمی گنجد. این اسناد و کتب گواه و شاهدی بر ظهور سیدی مطهر از ذریه ی غضنفر و از احفاد ابی قاسم طوبی و سقر و نسل ابی شبیر و شبر حضرت صاحب العصر و القدر می باشند. نکته ای که در بحث و گفتگوی محترمانه با اتباع فرقه ی معدود بهاییت به ذهن هر انسان ساده اندیشی خطور می کند آن است که: کدام کتاب آسمانی و الهی مژده و بشارت به ظهور «بهاءالله» داده است؟ «قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین. بدون تردید در کتب عهد عتیق موجود نمی باشد. و شاید در آینده با کمک بنی اسراییل زمان در این کتب ارجمند دستبردی شود و آیاتی مفتریه ساخته شود که جای تعجب نیز نمی باشد چون محصول خودشان می باشد. جالب است کج فهمی و عدم درایت مبررین این فرقه را در فهم بعضی از آیات کریمه الهی اشاراتی داشته باشم.

سوء برداشت از کریمه پنجم از سوره مبارکه «سجده»

بسیار تلاش نمودند تا بتوانند آیه ی شریفه پنجم از سوره مبارکه سجده را سند قرآنی در بشارت به ظهور پیامبر!! خود قرار دهند – یدبّر الأمر من السماء إلی الأرض ثم یعرج إلیه فی یوم کان مقداره ألف سنه مما تعدّون – صدق الله العلی العظیم «او امر عالم را

(نظام اکمل و احسن) از آسمان تا زمین تدبیر می کند سپس روزی که مقدارش به حساب شما بندگان هزار سال است باز به سوی او بر می گردد (ترجمه ی مرحوم الهی قمشه ای). فرقه بهاییت معتقد است با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام به سال ۲۵۹ قمری با استناد به این کریمه عدد ۱۲۵۹حاصل می گردد که به زعم آنها سال ظهور طلعت باب است. چرا با این همه غفلت دوران ولایت امام زمان علیه السلام را نادیده انگاشتید؟ حال آنکه این موضوع چنانکه پیشتر اشاره شد بر کسی جز جناب بهاءالله پوشیده نیست و بشارت به ظهور کسی دادید که در هیچ کتاب آسمانی و معتبر ارضی وجودش قابل اثبات نیست. البته نگارنده در سطور بعدی وجودش را ثابت خواهد کرد. در کتب تعلیمی فرقه ی بهاییت در شرح و بررسی کریمه ۱۰۵ و۱۰۶ از سوره مبارکه «انبیاء» که مژده به ارث بردن زمین توسط عباد صالح خداست آورده اند: «از امام باقر علیه السلام نقل شده است مقصود از بندگان در این آیه همان یاران مهدی موعود است و دلیل درستی این روایت اتفاق عامه و خاصه از فرق شیعی و سنی است». (گلگشتی در قرآن مجید – ص ۶۰– چاپ: کانادا) چگونه است در کتب سماوی بطور مباشر و غیر مباشر به ظهور حضرت در آخر الزمان اشاره شده ولی فرقه بهاییت معتقد است تدبیر و تنظیم عرش الهی بوسیله محمد بن عبدالله و یازده وصی او کامل شد و حال آنکه در دیگر کتب آورده اند: پیغمبر گفت: اگر نماند از دنیا مگر یک روز خدای آن روز را چنان درازش گرداند تا برانگیزد مردی صالح از اهل بیتم وآن مرد از اولاد فاطمه سلام الله علیها است. (مسند احمد حنبل – ج ۱–ص ۳۷۶ – ص ۴۳۰ – ص ۹۹) (المستدرک علی الصحیحین – ج ۴– ص ۵۵۷) کدام مفسر و عالم علوم قرآن از صدر اسلام تا کنون از این آیه کریمه برداشت بشارت به ظهور داشته که وی چنین برداشت نمود.؟؟؟!!! نگارنده این مقال که خداوند او را توفیق مطالعه هفتاد و نه دوره از کتب ارجمند تفسیری شیعه و سنی داده تاکنون به چنین موضوعی برخورد نکرد.

سوء استفاده از واژه «خاتم» و اراده باطل از این سخن حق

در کریمه ی چهل از سوره مبارکه ی احزاب این واژه شریف آمده در فرهنگهای لغت عربی مانند لسان العرب ابن منظور آمده است: «ختَم یختم ختماً و ختاماً و الختَم و الخاتم و الخاتام: من الحلی کأنه اول وهله ختم به: به معنی: از زیبایی است گویا آن نخستین مرتبه چیزی است که بدان نیز پایان یافته است (لسان العرب ابن منظور ماده ختم) این معنی را قوامیس ذیل نیز آورده اند: (العین – خلیل بن احمد – النوادر – ابوزید انصاری – جمهره اللغه – ابن درید – تهذیب اللغه – ازهری – الصحاح – جوهری – اساس البلاغه – زمخشری – القاموس المحیط – فیروز آبادی – تاج العروس – زبیدی – مفردات القرآن – راغب اصفهانی) و بسیاری از کتب لغت عربی و تفسیری که این معنی را تایید نمودند. با این معنی فرقه بهاییت که معتقد است این واژه اسم فاعل نیست و معنی پایان بخشی از آن اراده نمی شود نه تنها اثبات ظهور نیست بلکه اثبات ختم نبوت است چون معتقدیم پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم اول و آخر نبوت است و سایر انبیاء و رسل از نور وجودی ایشان بهره مندند. در صورتی که این معنی را نپذیرند و این واژه را به معنی مهر و انگشتر بدانند بازهم چنانکه بر جامعه بشری و مناسبات انسانی و اجتماعی حاکم است مهر را در پایان و ختم هر قرار داد و قانون می زنند و سطور و مطالب بعد از آن فاقد هرگونه اعتبار است. چگونه است خط دهندگان فرقه بهاییت این آیات الهی را در قرآن نمی بینند: إنّ الدین عند الله الاسلام (آل عمران: ۱۹) رضیت لکم الاسلام دینا (مائده: ۳) من یبتغ غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الآخره من الخاسرین (آل عمران: ۸۵) الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی (مائده:۵) صدق الله العلی العظیم.

عوام فریبی در نزد فرقه بهاییت

سوره مبارکه بقره آیه شریفه یکصد و سیزده به اختلافات دو گروه یهود و نصاری اشاره دارد

و قالت الیهود لیست النصری علی شیء و قالت النصری لیست الیهود علی شیء و هم یتلون الکتاب صدق الله العلی العظیم. این دو گروه در حالی که صاحب شریعت الهی می باشند یکدیگر را تحقیر می نمودند. فرقه بهاییت معتقد است: «بدیهی است حل این اختلافات و بیان حقیقت مسائل بایستی در این جهان شود تا شاید سبب هدایت شود. این کیفیت در ظهور اعظم الهی و نزول آیات محکمه شریعت بهایی به تمام معنی تحقق یافت.» (گلگشتی در قرآن مجید – ص۱۳۹– چاپ: کانادا). و گفته اند حل این مشکلات در قرآن به قیوم قیامت موکول شد در حالی که در شریعت بهایی حل شد. جناب بهاء! پیروان شما شاهد جنگهای جهانی اول و دوم و سوزاندن سه میلیون یهود در کوره های آدم سوزی نبودند؟ و همین امروز شاهد هتاکی و بی حرمتی یهود و نصاری نسبت به هم نمی باشند. در یک اندیشه عقلانی این اختلاف موجود چگونه در فرقه بهاییت حل شده و کشور غاصب اسرائیل که به لحاظات مختلف مورد توجه این فرقه است قادر به حل مشکلات فیما بین نمی باشد؟ چگونه همین رژیم غاصب از تفکرات شما استفاده نمی کند؟ پس همان پیش بینی قرآنی صحیح می باشد.

عرفان در نزد فرقه بهاییت

«برای شناخت آن مراحل شما را به مطالعه کتاب «هفت وادی» نازله از قلم حضرت بهاءالله توصیه می کنیم: وادی اول: طلب دوم: عشق سوم: معرفت چهارم: توحید پنجم: استغناء ششم: حیرت هفتم: فناء فی الله. جناب بهاء! اگر قریب ۱۷۰سال قبل این موضوعات در دیدگاه شما بکر و جدید و با استعانت حق با قلم شما نازل گردید بهتر است بدانید و به اتباع خود بگویید ۱۲۰۰سال قبل از ولادت خودتان عرفاء و حکماء اسلام شکل کاملتر آنرا بیان نمودند که از باب اختصار نام چند تن از این بزرگان را که هرگز مانند...... ادعایی ننمودند یادآور می شوم: رابعه عدویه – سفیان ثوری – فضیل عیاض – معروف کرخی – بایزید بسطامی – سری سقطی – سهل بن عبدالله تستری – جنید بغدادی – شبلی – ابونصر سراج – ابوعلی دقاق – شیخ ابوالحسن خرقانی – شیخ ابوسعید ابوالخیر – خواجه عبدالله انصاری – امام محمد غزالی – احمد غزالی – شیخ احمد جام – سنایی غزنوی – عبدالقادر گیلانی – شیخ شهاب الدین سهروردی – ابوحفص سهروردی – شیخ عطار – ابن عربی – صدر الدین قونیوی – مولوی – حافظ – سعدی – محمود شبستری – صفی الدین اردبیلی – علاءالدوله سمنانی – اوحدی – عماد فقیه – سیدقاسم انوار– جامی – شمس الدین لاهیجی و عثمان هجویری و..........

نوروز در نزد بهاییان است

در کتاب «اقدس» آمده: «یا قلم الاعلی قل یا ملأ الانشاء.... وجعلنا النیروز عیداً لکم بعد اکما لها» (اقدس – ص ۱۵– بند ۴۳) قطعاً ایرانیان پاک سرشت و فرخ نهاد و صاحب بیش از ۷۰۰۰ سال تمدن و فرهنگ می دانند چنانکه تمام ایران شناسان فرهیخته همچون پروفسور گوستاولوون و پروفسور آرتور کریستن سن و ریچارد و...نیک می دانند نوروز و رسوم و آداب وابسته به آن قبل از ظهور بسیاری از ادیان الهی و حتی دین مبین اسلام در ایران اجراء می شد و اینک نیز می شود و در آینده نیز خواهد شد. آیا نوروز متعلق به تمام جهانیان است یا متعلق به پارسی زبانان خوش گفتار؟ آیات و احکام یک دین متعلق به بشریت است یا یک قوم خاص؟؟.اسلام نیز با آشنایی کامل از نوروز و این سنت حسنه ایرانی آنرا تصدیق نمود و بدان سفارش نمود. این موضوع چه ارتباطی با اقدس دارد جای بسی اندیشه است. و اگر قرار باشد این آیه الهی باشد باید برای تمام آداب و سنن کشورهای جهان آیه آید و در آن صورت اقدس و کتب مشابه آن باید چند صد جلد باشد و این از خصایص کتب الهی دور به نظر می رسد. واعلم

ایرادات ادبی «اقدس»

اشکالات صرفی و نحوی و زبان شناسی و بلاغی در کتاب «اقدس» که در دیدگاه آنان منزل الهی است بسیار دیده می شود. چگونه تاکنون ابناء البشر حتی یک اشتباه قابل اثبات از قرآن مطرح ننموده اند ولی هر کسی تنها با مطالعه یک دوره زبان و ادبیات عربی متوجه بسیط ترین اشکالات مذکور در این کتاب خواهد شد. اگر آسمانی است چگونه این همه اشکال وجود دارد؟! آیا نعوذ بالله من الشیطان و شبهه دانش خداوند به هنگام نزول این کتاب دچار نوسان می شده؟؟؟؟!!!! بنابراین خلاف این مدعی به سهولت ثابت است.

زبان «اقدس»

در قرآن کریم بیان شده: و ما أرسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبّین لهم – صدق الله العلی العظیم. (ابراهیم: ۴) خداوند می فرماید: هر پیامبری را با زبان قوم خود فرستادیم. آقا میرزا حسینعلی خان نوری مازندرانی از توابع مازندران که افتخار علوی بودن و اولین نژاد ایرانی در محبت و عشق به اهل البیت علیهم السلام را دارند می بایست کتاب منزلش یا به لهجه مازندرانی باشد یا به زبان فارسی ولی چنانکه مشهود است به زبان عربی می باشد. نیک می دانیم تورات به زبان (عبری) و انجیل به زبان (سریانی) و قرآن به زبان (عربی) و اقدس به زبان (عربی)!!!!!!! شاید شما نیز مانند نگارنده ی این مقال گمان کنید «مردم مازندران و به دیگر تعبیر ایرانیان پارسی گوی در ۱۶۹ سال قبل عربی صحبت می نمودند و دوباره ایرانی گشتند؟؟!!!!!!!! و یا باید و به ناچار به بطلان این کتاب و.... معتقد باشیم.»

رد نبوت بهاء از زبان فرزندش

اشاره

عبد البهاء غصن اکبر بهاءالله به میرزا حسن نامی اطلاع داده است: «ما داعیه نداریم ما که دعوی نبوت و امامت و رسالت نکرده ایم چه سؤالی و چه جوابی؟ من بنده ای از بندگان جمال مبارکم. و در راه محبت در بین بشر خدمت می کنم. آقای میرزا حسن اگر سؤالی دارد علماء و فقهاء و حکماء در عالم بسیارند مشکل غامضه و مطالب معضله حل می کنند و ما که دعوی علم و دانش نکرده ایم و به ما چه کار دارد؟» (خاطرات نه ساله – ص۱۰۷). نوشته های عبد البهاء و یارانش تناقض دارد و آنانکه سخن او و پدرش را وحی میدانند حکم دلسوزان مشفق تر از مادر دارند.

ادعای شگفت انگیز «خدا بودن (الوهیت)» جناب بهاءالله در کتب فرقه بهاییت

قبل از بیان این بخش استعاذه می کنم و گویم: اعوذ بالله من الشیطان الرجیم و شبهه ۱- میرزا حسینعلی خان نوری معروف به «بهاءالله» در کتاب «بدیع» گفته: «اننی انا الله لا اله الا انا کما قال النقطه (میرزا علی محمد الشیرازی) من قبل و بعینه یقول من یأتی من بعد». بدون تردید من خدا هستم و خدایی جز من نمی باشد چنانکه میرزا علی محمد شیرازی هم گفت خداست و بعد از این افرادی مدعی این مقام خواهند شد.!!!!!!!! (بدیع – ص۱۵۴) ۲- عباس افندی در کتاب تاریخ صدر الصدور گفته: «مقام حضرت اعلی میرزا علی محمد الوهیت شهودی و مقام جمال اقدس و اقدم (میرزا حسینعلی) احدیت ذات هویت وجودی و رتبه این عبد (عباس افندی) عبودیت حقیقی وهیچ تفسیر و تاویلی ندارد.!!!!!!!!! (تاریخ صدر الصدور – ص۲۰۷) ۳- جمال مبارک (میرزا حسینعلی) در قصیده و رقاییه می گوید: «کل الالوه من رشح امری تالهت کل الربوب من طفح حکمی تربت» همه خدایان از اثر من به خدایی می رسند و تمام پروردگاران از ریزش حکم من به مقام ربوبیت رسیدند.!!!!!!!! (مکاتیب – ج۲- ص۲۵۴- ۲۵۵) ۴- یکی

از بهاییان از عبدالبهاء پرسید: مقصود از مالک دنیا در انجیل چیست؟ پاسخ داد: مالک دنیا جمال مبارک (میرزا حسینعلی) است..!!!!!!!! (مکاتیب – ج۳– ص۴۰۴) ۵– عباس افندی و خواهرش (ورقه علیا) بهاییان را به پرستش و بندگی و ستایش بهاءالله تشویق می کردند و عبودیت اغنام در برابر بهاء را می ستودند و بهاییان را «بندگان جمال مبارک ابهی و بندگان صادق جمال مبارک» خطاب می کردند.!!!!!!!! (مکاتیب – ج۲– ص۵۶ – ص۱۲– ۱۴– ۳۳ –۳۷) ۶– «اسجدوا الله ربکم العلی الاعلی الذی کان فی جبروت البقاء باسم البهاء و فی ملکوت السماء بالعلی مذکورا.» در برابر پروردگار علی اعلی سجده کنید که در جبروت بقا آسمانها با نام بهاء است و در ملکوت اسما با نام علی خوانده می شود.!!!!!!! (مبین – ص۱۶۷)

هویت جناب بهاءالله با استفاده از کتب فرقه بهاییت

۱– صفت و نعت «علیه» از آن دولت ایران و صفت «فخیمه» از آن دولت بریطانیا و صفت و نعت «بهیه» از آن دولت روسیه بود. با پناهندگی جناب بهاء به سفارت روس قول داد دینش را به پاس داشت خدمات آنها به وی «بهایی» نامد. و دخترش را «بهیه» نامید. و آواره مینویسد: طاهره اولین کسی بود که میرزا حسینعلی خان را «بهاء» لقب داد. (کواکب – ج۱– ص۲۵۷– ۲۷۱– ۲۷۲) ۲– مورخان بهایی معتقدند: لقب «بهاءالله» از روی قرعه در دشت بدشت انتخاب گردید.!!! (ظهور الحق – ص۱۱۰–) (کتاب حضرت بهاءالله – ص۳۹) ۳– شوقی افندی می گوید: هدف ما در تلاشهای روس بهیه و انگلیس فخیمه ایجاد دین و مذهب نبود. (کتاب خصایل اهل بهاء – ص۹۱) (نظر اجمالی – ص۱۱۵) ۴– بهاء مشوق معاشرت بهاییان با تمام ادیان با روح و ریحان است الا درباره ی مسلک خود که هیچ بهایی حق تحری حقیقت را ندارد. بنده مخلص جناب میرزا حسینعلی (بهاءالله) و آقای عبد البهاء که در عوام فریبی دست اسلافش را بسته گوی سبقت را از ایشان ربود افتخار کشور انگلستان بود و در ازای خدمات صادقانه اش!! مورد توجه دولت انگلیس قرار گرفت و مفتخر به لقب «سر عبدالبهاء» گردید. (کواکب – ج۲– ص۲۹۶) ۵–سخن تاریخی بهاء پیامبر ادب و عرفان!!!! هر کس بهاء را منکر شود سزاوار است از مادرش وضع خود را بپرسد و هر کس دشمن او باشد قطعا شیطان در بستر و رختخواب مادرش رفته است (گنج شایان – ص۷۸– ۷۹) (مائده آسمانی – ج ۴– ص ۳۵۵) جناب بهاء! عزت قلمم را بیش از آن می دانم که ادامه دهم و شرمنده ی خواننده ی محترم این مقال گردم. شما که با وحی ارتباط داشتید نپرسیدید «ادب نبوت چیست؟؟»

یک حرکت خزنده و فریبنده در فرقه بهاییت

بهاییان در یک حرکت خزنده و حالتی حق به جانب قصد انتخاب دوست برای «بهاء الله» دارند و با تعابیر خدعه آمیز «اعراض از آیات الهی ظلم است و معرضین به علت انکار آیات دلهایشان مختوم و گوش هایشان ناشنوا است و هرگز راه هدایت را نخواهند یافت». جملات در ظاهر زیباست و بدون ایراد. اما نیت آنها در زیر نهفته است و می گویند یهودیان کتب بسیاری را در رد عیسی بن مریم علیهما السلام و عیسویان آثار زیادی را در رد پیامبر اسلام نگاشتند و مسلمین نیز دیباچه هایی در رد بهاییت به زیور طبع رساندند. به هوش باشیم: اولاً: میان پیامبران هیچ اختلافی نیست و هرچه هست متعلق به افراد کم دانش و متعصب آنهاست. و به فرموده خداوند در سوره مبارکه «بقره» لا نفرق بین احد منهم. ثانیا: شما نخست «نبوت» بهاءالله را با کتب آسمانی ثابت کنید سپس وارد این تظلم و دادخواهی شوید. و بقول عامه: اول برادری را به اثبات برسان بعد ادعای ارث نما. ثالثا: هیچ پیامبری رسول قبل از خود را رد نکرده و پیامبر بعد از خود را نیز معرفی نمود و در ختم رسل بودن پیامبر عظیم الشأن اسلام و ختم اوصیاء بودن حضرت صاحب العصر و الزمان نه تنها شکی نیست که مجال برای بحث نمی ماند. و از باب یادآوری به چند کتاب درباره مراجعت می نماییم. ۱– در جزء دوم از کتاب پنجم (سفر خامس) تورات آمده: «نابی أقیم لاهیم مقارب اجئهیم کاموخا ایلا وشیما عون» ترجمه

عربی آن: نبیّا أقیم لهم من وسط اخوتهم مثلك به فلیؤمنوا. یعنی: از میان خودتان پیامبری برای آنها انتخاب شده مانند خودت پس به او ایمان آورید. (افحام الیهود - سموأل المغربی - ج۱- ص۱۱۳-تحقیق د. شرقاوی) ۲- در کتاب مقدس «کتاب دانیال» ص ۱۵۶۷- فصل ۱۲ - بند ۳۱ و کتاب اشعیای نبی - باب ۵۹ - کتاب حیقوق نبی - فصل ۲- بند ۳ وهمان کتاب ص۱۲۲۰- فصل ۱۱ - بند ۱۰۱ اشاره مستقیم به ظهور امام زمان سلام الله علیه در آخر الزمان دارند. ۳- در کتاب مقدس «انجیل» (متی) باب ۲۵- ص۶۰- بندهای ۳۱- ۳۳ در کتاب مقدس «انجیل» (لوقا) باب ۱۲- ص۱۵۴- بندهای ۳۵- ۳۷ در کتاب مقدس «انجیل» (مرقس) باب ۱۳- بندهای ۳۲- ۳۷ در کتاب مقدس «انجیل» (یوحنا) باب ۵ - بندهای ۲۶- ۲۸ نیز به ظهور آقا صاحب الامر در آخر الزمان اشاره دارند. ۴- در کتاب «زند بهمن یسن» ص۱۹ و جاماسب نامه ص۲۵ و بشارت ظهور ص۲۰ نیز با چنین مفاهیمی برخورد می کنیم. در مکتب ارجمند اهل البیت علیهم السلام نیز ۱۴۸ روایت پیرامون ذریه امام حسین بودن و ۱۴۷ روایت در فرزند امام حسن عسکری بودن و ۳۹ روایت در اقتدای حضرت عیسی بن مریم پیامبر محبت به وجود نازنین امام زمان در زمان ظهور موجود می باشد. این کتب موجود است و فناوری اطلاعات نیز پیشرفته است. حال نوبت شماست که جناب «بهاءالله» را در کتب پیشین ثابت کنید. ولن تفعلوا. نگارنده قصد تبیین تاریخ پنهان را داشته و بنا بر تعالیم زیبای قرآنی «لا اکراه فی الدین» نیت دعوت نداشته و رجای واثق دارد که با مطالعه و کنکاش ره گم کرده ی خویش را بیابید. والسلام علی من اتبع الهدی

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی

ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

